

اتحاد عاقل و معقول

و حکمت متعالیه

نویسنده

مهری چنگی آشتیانی

عنوان و پدیدآورنده: اتحاد عاقل و معقول در حکمت متعالیه / مهری چنگی آشتیانی

مشخصات نشر: تهران: انتشارات دانشگاهیان، ۱۳۹۵

مشخصات ظاهری: ۱۸۰ ص، وزیری

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، ۹۷۹ - ۱۰۵۰ ق. الحکمه المتعالیه فی الاسفار الاربعه -- نقد و تفسیر

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۲۰-۳۴-۱

رده بندی کنگره: BBR ۱۰۶۴/الف ۲ ۱۳۹۵

رده بندی دیویی: ۱۸۹/۱

شماره کتابشناسی ملی: ۴۵۶۹۳۹۵

عنوان کتاب: اتحاد عاقل و معقول در حکمت متعالیه

کرم مؤلف: مهری چنگی آشتیانی

صفحه آرایشی: اکرم پهلوان

طراحی جلد: رضا خزائی

ناشر: انتشارات دانشگاهیان

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

لیتوگرافی: مهرشاد

صحافی: ترانه

چاپ: ترانه

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۶

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۲۰-۳۴-۱

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

مرکز پخش:

میدان انقلاب - ابتدای خیابان آزادی - روبروی سینما مرکزی

کوچه شهید جنتی - پلاک ۲۶ واحد ۱ و ۲

تلفن تماس: ۰۲۱-۸۸۸۵۲۷۳۱

همراه: ۰۹۱۲۱۹۷۹۴۹۲

فهرست مطالب

۹	پیشگفتار
۱۰	بیان مسئله
۱۱	انحاء آتش در وجود
۱۵	فصل اول - علم و اقسام آن
۱۶	تعریف علم
۱۷	اشاره‌ای به اقسام علم
۱۸	حقیقت علم حضوری
۱۹	ماهیت علم حصولی
۲۱	تجرد ادراک
۲۴	خلاصه
۲۵	تجرد نفس ناطقه
۳۲	تجرد صور ادراکی
۳۶	عوالم وجود
۳۸	اتحاد علم و عالم و معلوم
۴۱	علم، انسان و جهان
۴۵	اهمیت علم حصولی
۴۶	نظر علامه طباطبائی در بازگشت علم حصولی به علم حضوری
۴۹	چگونگی تبدیل علم حضوری به حصولی
۵۰	مراتب ادراک
۵۶	نتیجه

۵۹	فصل دوم - اتحاد عاقل و معقول
۶۰	مقدمات بحث
۶۱	انواع اتحاد
۶۴	تفاوت معلوم بالذات و معلوم بالعرض
۶۵	عبارت‌های ملاصدرا
۷۰	اثبات اتحاد عاقل و معقول از دیدگاه صدرالمتهلین
۷۱	نظر استاد شهید مطهری در تبیین اتحاد عاقل و معقول از دیدگاه ملاصدرا
۷۲	ایراد شیخ الایسی به اتحاد عاقل و معقول
۷۳	پاسخ صدرالمتهلین
۷۴	براهین اتحاد عاقل و معقول
۷۵	الف - برهان تضایف
۷۵	۱- تقریر اول
۸۶	۲- تقریر دوم و سوم
۹۱	۱- تقریر تابعان ملاصدرا
۹۷	ب- برهان از طریق نفس
۹۹	اشکال و پاسخ در باب اتحاد عاقل و معقول
۹۹	اشکال‌های ابن‌سینا
۱۱۲	ثمرات بحث اتحاد عاقل و معقول
۱۱۳	مقدمات لازم برای بحث اتحاد عاقل و معقول
۱۱۳	ملاحظات ضروری
۱۱۳	الف - برهان تضایف از دیدگاه مرحوم سبزواری
۱۱۶	ب- برهان تضایف از دیدگاه علامه طباطبائی
۱۱۸	ج- تقریر شهید مطهری از برهان تضایف و نقد آن
۱۱۹	د- برهان تضایف در آثار استاد حسن‌زاده آملی
۱۲۰	هـ- نقد و بررسی کامل‌ترین برهان
۱۲۳	و- حل تناقض
۱۲۸	۱- توضیح محل نزاع
۱۳۲	۲- براهین مجرد علم

۱۳۸	۳- ملاحظات ضروری
۱۴۰	نتیجه
۱۴۷	فصل سوم - اتحاد نفس با عقل فعال
۱۴۸	مقدمه
۱۴۹	بحثی پیرامون ابصار و رؤیت
۱۵۷	فصل چهارم - ارتباط انسان با عوالم سه گانه وجود
۱۵۸	مقدمه
۱۵۸	وحدت و کثرت در حقیقت انسان
۱۵۸	۱. حقیقت انسان
۱۶۴	۲. تفاوت انسان با سایر موجودات
۱۶۵	۳. وحدت ناس و قی آن
۱۶۶	۴. مراتب نفس
۱۶۸	دیدگاه صدر ادر باب چهار هستی
۱۶۸	مقایسه هستی و نفس آدمی
۱۷۱	ادراک حقیقت وجود از دیدگاه صدر
۱۷۶	نتیجه گیری
۱۷۹	منابع

پیشگفتار

بحث اتحاد عاقل و معقول از مباحث نفیس و ارزشمند حکمت متعالیه است. مسئله اتحاد عاقل و معقول یکی از پیچیده‌ترین مباحث فلسفی است. در این کتاب پس از اینکه تعریفی کوتاه از معقول، بالذات و معلوم بالعرض، نظرات مخالفان و موافقان را ذکر کرده و در آخر نظر صدرالمتینین را بیان می‌کند. اتحاد عاقل و معقول را در آغاز به فرفورئوس شاگرد افلوپتین نسبت داده‌اند. در این باب، علامه مسلمان ابن سینا از جمله کسانی است که این قاعده را از جمله پیچیده‌ترین مباحث فلسفی دانسته است. برهانی که ملاصدرا برای اثبات این قاعده می‌آورد معروف به تضایف است. بعد از او حاجی سبزواری به این نظریه پرداخته است و شش برهان در اثبات آن نقل کرده است. اتحاد عاقل و معقول یکی از مباحث مهم فلسفه اسلامی در باب علم و ادراکات می‌باشد، در فلسفه ارسطو کلیات عقل معلومات کلی، معقول نامیده می‌شود؛ اما مسئله اتحاد عاقل و معقول، تنها اختصاص به معلومات کلی ندارد، بلکه طرفداران این نظریه در مورد مطلق معلومات (اعم از علوم حسی و خیالی و عقلی) به اتحاد آن‌ها با نفس قائل‌اند. اتحاد در لغت به معنای یکی شدن است اما مقصود از اتحاد در این مسئله نوع خاصی از یکی شدن می‌باشد. شناخت معنای اتحاد، کلید دریافت نظریه اتحاد عاقل و معقول است. اتحاد عاقل با معقول از نوع اتحاد جوهر با عرض نیست بلکه نوع خاصی از اتحاد است که از آن به اتحاد اندک‌اکی تعبیر می‌شود. از نظر قائلین به اتحاد عاقل و معقول، مقصود از اتحاد فراتر از اتحاد عرض با موضوع خود است.

بیان مسئله

قبل از پرداختن به اصل مسئله باید مفهوم «اتحاد» را روشن کنیم و ببینیم کسانی که قائل به اتحاد عاقل و معقول یا اتحاد عالم و معلوم شده‌اند مقصودشان دقیقاً چه بوده است و شاید درک صحیح این معنی، کمک شایانی به حل مسئله بکند.

متحد شدن دو موجود یا به لحاظ ماهیت آن‌هاست و یا به لحاظ وجود آن‌هاست و یا به اعتبار وجود یک و ماهیت دیگری. اما اتحاد دو ماهیت تام، مستلزم انقلاب ماهیت و تناقض است زیرا فرض یک ماهیت تام، فرض قالب مفهومی معینی است که بر هیچ قالب مفهومی دیگری منطبق نمی‌شود. یگانه شدن دو ماهیت تام، مستلزم انطباق دو قالب متباین، بر یکدیگر است؛ و به عنوان تشبیه - و در بعضی موارد مانند اتحاد دایره و مثلث می‌باشد.

و اما اتحاد یک ماهیت نوعی تام با ماهیت ناقص (جنس و فصل) طبق دستگاه جنس و فصل ارسطویی، امری مسلم ولی دارای است. ارتباطی با مسئله تعقل و ادراک ندارد و چنان نیست که هنگام تعقل، چنین اتحادی برقرار شود. افزون بر این، گاهی انسان، ماهیتی را تعقل می‌کند که بکلی مباین با ماهیت انسانی است و هیچ‌گونه اشتراک ماهوی بین آن‌ها وجود ندارد.

بنابراین، اگر کسی معتقد شود که هنگام ادراک، ماهیت موجود را که کننده با ماهیت موجود درک شونده متحد می‌شود و مثلاً ماهیت انسان با ماهیت درخت یا حیوانی یگانگی پیدا می‌کند به امر متناقض و محالی معتقد شده است.

همچنین اتحاد وجود درک کننده با ماهیت درک شونده و بالعکس نیز محال است و اگر اتحادی بین وجود و ماهیت به یک معنی صحیح باشد بین وجود یک موجود با ماهیت خود آن است نه با ماهیت موجودی دیگر. پس تنها فرضی که می‌توان برای اتحاد عاقل و معقول در نظر گرفت، اتحاد وجود آن‌هاست. اکنون باید ببینیم که اتحاد دو وجود، ممکن است یا نه؟ و اگر ممکن است به چند صورت، تحقق می‌یابد؟

انحاء اتحاد در وجود

اتحاد دو یا چند وجود عینی به معنای نوعی وابستگی یا همبستگی میان آن‌ها امکان دارد و به چند صورت تصور می‌شود:

الف- اتحاد عرض با جوهر، از این نظر که وابسته به آن است و نمی‌تواند از موضوع خودش استقلال پیدا کند. این اتحاد، بنابر قول کسانی که عرض را از شئون و مراتب وجود جوهر می‌دانند محکم‌تر است.

ب- اتحاد صورت با ماده که نمی‌تواند از محلّ خودش انفکاک یابد و مستقلاً به وجود خودش ادامه بدهد. این نوع اتحاد گاهی به نفس و بدن هم تعمیم داده می‌شود به این لحاظ که پیدایش نفس بدون بدن، امکان ندارد هرچند می‌تواند بقاءً مستقل از آن گردد.

ج- اتحاد چند ماده در سببه صورت حادی که به آن‌ها تعلق می‌گیرد مانند اتحاد عناصر تشکیل دهنده گیاه و حیوان. این نحو اتحاد، در واقع اتحاد بالعرض است و اتحاد حقیقی میان هر یک از مواد با صورت، حاصل می‌شود.

د- اتحاد هیولی که علی‌الفرض فاقد هرگونه فعلیت است با صورتی که به آن فعلیت می‌بخشد؛ و گاهی از این نوع اتحاد به عنوان یگانه اتحاد تعمیم یاد می‌شود. اما با انکار هیولی به عنوان جوهر عینی فاقد فعلیت، جایی برای آن باقی نمی‌ماند.

ه- اتحاد دیگری را می‌توان برای دو معلولی که از علت مفیضه صادر می‌شوند در نظر گرفت از این نظر که هر کدام از آن‌ها متحد با علت است و انفکاک بین آن‌ها ممکن نیست هرچند چنین رابطه‌ای را اتحاد نامیدن خالی از مسامحه نیست.

و- اتحاد هستی‌بخش با معلولش که عین ربط و وابستگی به آن است و میان آن‌ها تشکیک خاص، وجود دارد. این نحو اتحاد، بنابر قول به اصالت و مراتب داشتن وجود، تصور می‌شود و بنام اتحاد حقیقه و رقیقه، موسوم شده است.

لازم به تذکر است که اتحاد مورد بحث، اتحادی است که در اثر ادراک، حاصل می شود و آن اتحاد عالم با وجود معلوم بالذات است یعنی همان صورت ادراکی که در ذهن، پدید می آید نه با وجود خارجی آن. بنابراین، اتحاد ماده و صورت یا عرض و جوهر خارجی ربطی به این مسئله ندارد.

با توجه به انحاء اتحاد و با توجه به اینکه فلاسفه، علم حصولی را از قبیل کیف نفسانی دانسته اند به آن نمی می توان نوع اول اتحاد را میان آن ها پذیرفت و طبعاً امثال ابن سینا هم از چنین اتحادی ابراء دارند اما صدر المتألهین چنین اتحادی را نمی پسندد و می کوشد نوع دیگری از اتحاد را شبیه اتحاد ماده و صورت، میان آن ها اثبات کند یعنی نسبت نفس را به صورت ادراکی نظیر نسبت هیولی به صورت می داند و همان گونه که فعلیت هیولی در سایه اتحاد با صورت، حاصل می شود عتبات باطن هم برای نفس در سایه اتحاد با صورت عقلی، تحقق می یابد پیشینه بحث بنابر آنچه از عبارت های بوعلی سینا در اشارات و غیر آن مستفاد می شود، قول به اتحاد عاقل و معقول نزد حکمای مشاء پس از ارسطو، شهرت بسزایی داشته است و جزء عقاید رایج ایشان به شمار می رفته است. عبارت شیخ الرئیس در اشارات چنین است «ان قوماً من المتصدرین یقع عندهم ان الجوهر العاقل اذا نزل سوره عقليه صار هو هی». خواهجه در ذیل این عبارت می گوید:

«شیخ در این فصل می خواهد عقیده باطلی را رد کند که پس از ارسطو [میان حکمای مشاء پیرو ارسطو مشهور بوده است و آن همان قول به اتحاد عاقل با صورت های موجود در آن، هنگام تعقل کردن آنهاست.»

شیخ الرئیس همچنین در فصل دهم این نمط اشاره می کند که یکی از حکمای مشاء به نام فروریوس کتابی برای اثبات اتحاد عاقل و معقول تألیف کرده که مورد تحسین حکمای مشاء قرار گرفته است. در هر حال از مجموع کلمات بوعلی به خوبی به دست می آید که قول به اتحاد عاقل و معقول نزد حکمای مشاء مقبول و پذیرفته بوده است.

اما درباره نظر خود شیخ الرئیس باید گفت، در کتاب اشارات و تنبیهات (نمط هفتم به بعد) و نیز در کتاب شفا و نیز دیگر کتاب‌های خود عبارت‌های صریحی در ردّ نظریه اتحاد عاقل و معقول دارد و آن را قولی سخیف و بی‌پایه شمرده است. فخر رازی در این باره می‌گوید:

«بدان که شیخ در تمام کتاب‌های خود اصرار بر ابطال اتحاد دارد، جز در کتاب مبدأ و معاد.» البته علی‌رغم این تصریحات، برخی از بزرگان بر آن اند که شیخ نیز در واقع نظریه اتحاد عاقل و معقول را پذیرفته است و تعبیراتی در کتاب‌های او وجود دارد که جز با قول به اتحاد عاقل و معقول سازگار نیست. از همه صریح‌تر در کتاب مبدأ و معاد، که آشکارا برای اثبات اتحاد عاقل و معقول برهانه‌ها ارائه می‌کند، اگرچه خواجه طوسی و دیگران این کلام شیخ الرئیس را بر مماشات با مشایین و هم‌نام بر طبق نظرات آن‌ها حمل کرده‌اند.